

قواعد درس اول عربی پایه دهم: «مرور دروس دوره اول متوسطه»

★ حرکات و تنوین ها در زبان عربی عبارتند از:

• حرکات:

۱) فتحه: «ـَ»	۲) کسره: «ـِ»	۳) ضمه: «ـُ»	۴) سکون: «ـْ»
الذین	هؤلاء	نحن	هل
نصب: «ـِ»	جر: «ـِ»	رفع: «ـُ»	جزم: «ـَ»
القرآن	المعلم	الطالب	لا تذهب

• تنوین ها:

۱- تنوین نصب: (ـِ) ← طالباً طالِبَةً

۲- تنوین جر: (ـِ) ← تلميذ تلميذَةً

۳- تنوین رفع: (ـُ) ← شجر شَجَرَةً

★ کلمه ها در زبان عربی از سه بخش تشکیل شده اند:

۳- حرف

۲- فعل

۱- اسم

• اسم: عبارتست از کلمه ای که ذاتاً معنی داشته باشد و آن مقرون به یکی از زمان های سه گانه ماضی، حال و

آینده نباشد؛ مانند: الثَّكَلُ، الدواء، مصطفى، مجتهد، بائع، کتاب، ...

• بعضی از نشانه های مختص اسم:

۱- مجرور شدن، مثل: سَلَّمْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَاضِلِ (به پدر دانشمند محمد سلام کردم).

۲- ظاهر شدن «تنوین» در آخر آن: كُلُّ إِنْسَانٍ قَائِمٌ غَدًا (هر انسان فردا ایستاده است).

۳- منادا واقع شدن، مثل: يَا تَلْمِيزُ (ای دانش آموز)

۴- وارد شدن الف و لام «ال» مثل: (الرَّحِيلُ: آن مرد)

۵- مسند الیه واقع شدن یعنی خبر دادن از چیزی، مانند: (عَلِيٌّ قَائِمٌ: علی ایستاده است)

۶- اگر کلمه‌ای تاء مدوّرة «ة» داشته باشد، مانند: عدالة

۷- اکثر کلماتی که آخر آن‌ها «اء» داشته باشد، مانند: داء، رواء، سماء، زهراء

۸- ساکن بودن حرف وسطی در کلمات سه حرفی، مانند: عِلْم، فَهْم، صَلْح، فَقْر

۹- همه کلمات پرسش غیر از «هَلْ، أ،» مثل: مَنْ، مَا، أَيْنَ، كَيْفَ، كَمْ، مَتَى ...

۱۰- همی ضمیرها و اسم‌های اشاره و اسم موصول، مانند: هُوَ، إِيَّاكَ، هُنَا، هُنَاكَ، الَّتِي، الَّذِينَ

۱۱- موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه واقع شدن، مانند: أَنْتُمْ قَدِيمٌ، مَسْجِدُ الْإِمَامِ

۱۲- کلماتی که قبل از حروف جرّ «فِي، بِ، إِلَى، مِنْ، لِ، عَلَى، عَنْ، كَ» ... می‌آیند فقط اسم می‌باشند،

مانند: **فِي** بَيْتٍ

★ کَمْ اسماً في العبارة التالية؟

« زَاكَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمِرَةً »

- ۱- خمسة □ ۲- ستة □ ۳- سبعة □ ۴- ثمانية □

★ عین عبارتۀ جاء فیها الأسماء أكثر :

۱- وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ مِثْقَلٍ فِي الْآخِرِينَ ! □ ۲- مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ ! □

۳- كَانَتْ مِيَاةُ الْبَحْرِ هَادِيَةً فِي الْبَدَايَةِ ! □ ۴- مَثَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّلَاثِ فِي مَدِينَةِ كَرْبَلَاءِ ! □

★ اسم‌ها از نظر جنس :

در زبان عربی همی اسم‌ها دارای جنسیت هستند: **مذکر** یا **مؤنث**

اسم مذکر : عبارتست از اسمی که دالک بر انسان یا حیوان نر کند و دارای نشانه و علامتی نیست، مانند:

أَب، بَعْدُ، قَمَر، جُنْدِي، زَيْب، صَف

اسم مؤنث : عبارتست از اسمی که دالک بر انسان یا حیوان ماده کند و غالباً دارای علامت‌های مؤنث است،

مانند: أُم، بَغْرَة، شَمْس، رِيح، مَرِيْم، زَهْرَاء، مَحْرُضَة، حَمَامَة، كَبْرِي، دُنْيَا

• بولن مشخص کردن **مذکر** یا **مؤنث** بودن کلمات جمع مکتسر باید به مفروض نگاه کرد، مانند:

الغوافل مفروض القافلة الطلبة مفروض الطالب

فراتر از کتاب ←

★ در زبان عربی اسماء اشیاء را گاهی مذکر می‌دانند مانند: «بیت» و بعضی را مؤنث مثل «رواة» که به اولی مذکر مجازی و به دومی مؤنث مجازی می‌گویند.

● اسم مؤنث سه سلامت دارد:

۱- تاء مربوطة مانند: (ضاربة، فاطمة)

۲- الف مقصورة مانند: (سلمی، دنیا)

۳- الف مدروسة مانند: (حسنة، زهراء)

★ کلمه اسماً مؤنثاً جاء في عبارة «منيا القمر من الشمس ويدور حول الأرض»:

- ۱- اثنان □ ۲- ثلاثة □ ۳- أربعة □ ۴- خمسة □

★ في أي عبارة ما جاء اسم مؤنث؟

۱- اِسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ ! □

۲- اِنْتَلَمَّ مَسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ ! □

۳- كَانَ اِذِيسُونَ مُتَشَفِّعِينَ فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلاً وَ نَهَاراً ! □

۴- قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ! □

★ عین عبارتۀ جاء فيها اسمان مؤنثان فقط:

۱- لِسَانُ الْمُقْتَصِرِ قَصِيرٌ ! □ ۲- النَّارُ نَتِيجَةُ اِحْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ عَیْرِهِ ! □

۳- وَ اِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ ! □

۴- تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَابُ اَنْ تُدِيرَ عَيْنَهَا فِي اَتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ ! □

● فراتر از کتاب ←

در زبان عربی اسم‌های زیادی وجود دارد که علامت‌های مؤنث را ندارد اما مؤنث محسوب می‌شوند.

۱- اسم‌هایی چون: شمس، ارض، بشر، دار، ریح، سن، شمال، یمین، نار

۲- اسامی شهرها و کشورهای: ایران، طهران، لبنان، مصر، العراق

۳- اسامی بعضی از اعضای زوج بدن: عین، ید، رجل، اذن، کف

★ اسم‌ها از نظر تعداد :

اسم‌ها در زبان عربی از نظر تعداد بر سه نوع است: مفرد / مثنی / جمع
 اسم مفرد: اسمی که به یک فرد یا یک مکان و یا یک شیء بر می‌گردد؛ امیر، دیک، والد، الطالبة

اسم مثنی: اسمی که به دو فرد یا دو مکان و یا دو شیء بر می‌گردد و اگر بخواهیم اسم مثنی بنا کنیم، آخر مفرد را مفتوح می‌کنیم و بر آن حروف «ا، ی، و، ن» می‌افزاییم.

حَضَرَ الرَّجُلَانِ :

اسم مثنی } اشتريت الكتابين :

• شرط اسم مثنی اینست که بتوانیم علامت مثنی را از آخر آن حذف کنیم و بتوان برای معنی تشبیه مفردی مانند آن را بر آن عطف کرد.

الرَّجُلَيْنِ → (الرَّجُل + الرَّجُل)

• اسم‌هایی مانند: (فستان، بستان، بنیان، رمان، کسان، عطشان) و (غزلان
 ألوان، ابدان، احزان، انسان، آریان، اخوان، ...) اسم مثنی نیستند.

★ کلمه ناهاهنگ را از نظر دستور و معانی مشخص کنید.

۱- غزلان □ ۲- ألوان □ ۳- أخوان □ ۴- إخوان □

• اسم‌های مثنی هرگاه مضاف واقع شوند «ن» از آخرشان حذف می‌شود، مانند:

کتابان التلمیذ / کتابا التلمیذ / معلمین المدرسة / معلمی المدرسة

• دو اسم «إخوان» و «إخوة» جمع مکتب هستند ولی دو اسم «أخوان» و «أخوین» مناس «أخ» هستند.

★ عین ما لیس فیہ اسم مثنی :

۱- إرحمی أبابک و أمک العجوزین ! □ ۲- الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة ! □

۳- لم یقدر العیادان أن یصدیا الطیبا ! □ ۴- انی أحب إخوانی المجدیین ! □

اسم جمع : اسمی که به بیش از دو فرد یا دو مکان یا دو شیء دلالت کند و خود به دو شکل دیده می شود

جمع $\left\{ \begin{array}{l} مكثر \\ سالم \end{array} \right.$

به اسم های جمع که علامت خاصی نداشته و از تغییر شکل مفرد کلمه به دست می آیند :

مذکر : اسمی که علامت آن «ون» - «ین» زائده می باشد .

مؤنث : اسمی که علامت آن «ات» زائده باشد .

★ جمع مذکر سالم :

جمع مذکر سالم به این طریق ساخته می شود که در مفرد آن تغییر در ضمیر نمر رحیم و به آخر آن با افزودن علامت «ون» و «واو و نون مفتوحه» در حالت رفع و «ین» یا «نون مفتوحه» در حالت نصب و جر ساخته می شود و شرط اسم مفرد این است که اسم مفرد اسم مذکر عاقل یا صفت عاقل باشد .

جاء المؤمنون ، ساعدت المؤمنین ، سلمت علی المؤمنین

● جمع مذکر سالم همانند مثنی هرگاه مضاف واقع شوند نون از آخرش حذف می شود؛ مانند :

مقاتلون الإسلام ← مقاتلو الإسلام ← مقاتلی الإسلام

● اسم هایی مانند : « محزون ، مفتون ، مغبون ، مجنون و ... براهین ، ریاحین ، میارین ، شیاطین ، مساکین ، بساتین ، قوانین ، مضامین و ... جمع مذکر سالم نیستند ؛ لذا هنگام اضافه شدن نونشان حذف نمی شود . شیاطین العالم ← شیاطین العالم

★ عین ما یشتمل علی الجمع السالم للمذکر :

- ۱- هذا جزء من نسی المساکین والیتام ! □
 - ۲- من وظائف المسلم مساعدة الاخرین ! □
 - ۳- وجدت في تلك المقالات مضامین مشترکة ! □
 - ۴- استخدم القرآن البراهین المتنوعة ! □
- ★ عین الخطأ فی الإضافة :

- ۱- قوانین المجتمع □
 - ۲- ساکنین الجزیره □
 - ۳- براهین القرآن □
 - ۴- مضامین الكتاب □
- در هنگام تشخیص مثنی یا جمع سالم ، مراقب اسم هایی که ظاهرشان گویا زننده است ، باشید .

جمع مؤنث سالم:

جمع مؤنث سالم: در این روش با اضافه کردن علامت آن «ات» زائده به آخر اسم های مفرد بدست می آید

و قاعده عمومی در اینست که نباید در اصل مفرد تغییری بدهد؛ مانند: مریم ← مریمات
• آنچه به تاء تأنیث ختم شده است، تاء آن حذف می شود: مؤمنه ← مؤمنات

• جمع برض از اسم های مختوم به «تاء» به شکل زیر ساخته می شود:

إِثْرَاء ← نساء أُمَّة ← أهَم
مَلَأ ← مَلَل

• اسم های مثل: «أصوات، أوقات، أموات، أبيات، أقوات و...» جمع مکسر هستند
نه جمع مؤنث سالم، چون حرف «ت» در این اسم ها زائد نیست.

• جمع مؤنث سالم با ضمه مرفوع و با کسره منضوب و مجرور می شود.

جاءت المعلّات رأيت المعلّات سلّمت على المعلّمات

• جمع مؤنث سالم هرگز فتنه و تنوین فتح (ـَ، ـِ) نمی پذیرد.

★ در کدام یک از کلمات زیر می توان جمع مؤنث سالم ساخت؟

- ۱- إِثْرَاء □
- ۲- أُمَّة □
- ۳- مَيْت □
- ۴- مَرِيْم □

★ حَتِّينَ مَا فِيهِ الْجَمْعُ السَّالِمُ لِلْمُؤنَّثِ:

- ۱- هَذِهِ الْأَبْيَاتُ الْجَمِيلَةُ مِنْ شَاعِرٍ إِيرَانِيٍّ! □
- ۲- سَمِعْتُ أَصْوَاتَ الطُّيُورِ فِي هَذِهِ الْحَدِيقَةِ! □
- ۳- كَعِبْتُ فَاطِمَةَ مَعَ صَدِيقَاتِهَا فِي الْمَدْرَسَةِ! □
- ۴- أَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ بَعْضَ الْأَوْقَاتِ! □

• بعضی اسم ها را می توان به صورت مکسر و هم به صورت سالم جمع بست.

التَّالِب	جمع سالم: التَّالِبُونَ، التَّالِبِينَ	السَّجْرَة	جمع سالم: الشَّجَرَات
	جمع مکسر: الطُّلَاب		جمع مکسر: الْأَسْجَار

• بعضی اسم ها در زبان عربی بیشتر از یک جمع مکسر دارند.

أَخ ← إِخْوَان، إِخْوَة التَّالِب ← الطُّلَاب، الطَّلَبَة

اسم های اشاره :

انواع اسم های اشاره	مفرد (مذکر ، مؤنث)	مثنی (مذکر ، مؤنث)	جمع (مذکر ، مؤنث)
نزدیک	هذا هذه	هذان ، هذین هاتان ، هاتین	هؤلاء اینان
دور	ذلك تلك آن	_____	أولئك آئان

• از «هنا» به معنای «این جا» برای اشاره به مکان نزدیک و از «هناك» به معنای «آن جا» برای اشاره به مکان دور استفاده می شود.

• «هؤلاء» و «أولئك» هم برای جمع مذکر و هم برای جمع مؤنث به صورت یکسان به کار می روند؛ مثال:

هؤلاء ناجحون / هؤلاء ناجحات / أولئك ناجحون / أولئك ناجحات

• برای اشاره به جمع های غیر انسان از اسم اشاره مفرد مؤنث استفاده می کنیم و اگر زمان اسم بعد از اسم اشاره ، بدون «ال» و جمع غیر عاقل باشد، اگرچه اسم اشاره به صورت مفرد مؤنث می آید اما در ترجمه باید به صورت جمع ترجمه شود. **هذه كتب** ← این ها ، کتاب هستند / **أثمرت تلك الأنجار الباسقة وأكلت ثمرتها**

• اگر بعد از اسم اشاره ، اسم «ال» بیاید (سار الیه) ، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می شود حتی اگر مثنی یا جمع باشد. **هؤلاء الأصدقاء** ، اوفیاء ← این دوستان ، وفادارند .

أولئك المبررات ، حادقات ← آن پرساران ، ماهرند .

• اگر بعد از اسم اشاره ، اسم بدون «ال» بیاید ، اسم اشاره طبق صیغی خود ترجمه می شود .

هذا طالب : این ، دانش آموز است . / هذا العالم ، محترم : این دانشمند ، گرامی است .

هذان طالبین : این ها ، دانش آموز هستند . / هذان العالمان ، محترمان : این دو دانشمند ، گرامی هستند .

هؤلاء طلاب : این ها ، دانش آموز هستند . / هؤلاء العلماء ، محترمون : این دانشندان ، گرامی هستند .

أولئك طالبات : این ها ، دانش آموز هستند . / أولئك العالمات ، محترمات : این دانشمندان ، گرامی هستند .

✦ عین الخطأ :

له هؤلاء طلاب □ ۲- هؤلاء طالبات □ ۳- أولئك موظفون □ ۴- أولئك موظفان □

★ عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ :

- 1- هؤلاء الطلاب مجتهدون : این ها، دانش آموزان کوشا هستند .
- 2- هذان التلميذان مؤذبان : اینان ، دو دانش آموز مؤذب هستند .
- 3- هؤلاء المعلمات مشفقات : این ها، معلمان دلسوزند .
- 4- أولئك موظفون لا تقون : آنان کارمندان شایسته ای هستند .

★ عَيِّنِ الخَطَأَ للفرغات :

« هؤلاء لا في أداء واجباته »

- 1- طلاب - يُقَصِّرون - هُم
- 2- طالبات ، يُقَصِّرن - هُنَّ
- 3- التلميذان - يُقَصِّران - هُما
- 4- الأولاد - يُقَصِّرون - هُم

★ ضمائر

تعداد	نام صیغه	ضمایر منفصل مرفوعه	ضمایر متصل مرفوعه	ضمایر متصل مرفوعه	معادل فارسی	ماضی	ضمایر متصل مرفوعه (آخر فعل)
1	للغائب	هُوَ	إِيَّاهُ	هُ	سوم شخص مفرد (مذکر)	—	—
2	للتائبين	هُمَا	إِيَّاهُما	هُمَا	سوم شخص جمع (دو نفر مذکر)	ا	ا
3	للتائبين	هُنَّ	إِيَّاهُنَّ	هُنَّ	سوم شخص جمع (مذکر)	و	و
4	للغائبة	هِيَ	إِيَّاهَا	هَا	سوم شخص مفرد (مؤنث)	—	—
5	للتائبين	هُمَا	إِيَّاهُما	هُمَا	سوم شخص جمع (دو مؤنث)	ا	ا
6	للتائبات	هُنَّ	إِيَّاهُنَّ	هُنَّ	سوم شخص جمع (مؤنث)	ن	ن
7	للمخاطب	أَنْتَ	إِيَّاكَ	كَ	دوم شخص مفرد (مذکر)	—	—
8	للمخاطبين	أَنْتُمْ	إِيَّاكُمْ	كُمْ	دوم شخص جمع (مذکر)	ا	ا
9	للمخاطبة	أَنْتِ	إِيَّاكِ	كِ	دوم شخص مفرد (مؤنث)	و	و
10	للمخاطبين	أَنْتُمْ	إِيَّاكُمْ	كُمْ	دوم شخص جمع (مؤنث)	ا	ا
11	للمخاطبات	أَنْتُنَّ	إِيَّاكنَّ	كنَّ	دوم شخص جمع (مؤنث)	ن	ن
12	للمتكلم مع الغير	أَنَا	إِيَّايَ	يَ	اول شخص مفرد	—	—
13	للمتكلم مع الغير	أَنَا	إِيَّايَا	يَا	اول شخص جمع	—	—

کلمات پرسشی:

۱- **مَنْ**: برای پرسش درباره اشان ها و عاقل به کار می رود و در پاسخ گوین از نام شخص یا شغل او استفاده

می کنیم: **مَنْ دَخَلَ الْعَقْفَ؟** ← چه کسی داخل کلاس شد؟

مَنْ هُوَ؟ هُوَ عَلَمٌ مَنْ هِيَ؟ هِيَ فَاطِمَةُ

۲- **مَا**: برای پرسش درباره اشیا، به کار می رود و تنها برای غیر عاقل است.

مَا أَكَلْتَ؟ ← چه خوردی؟ / **مَاذَا فِي يَدِكَ؟** چه (در دست داری)؟

۳- **لِمَاذَا (لِمَ)**: برای پرسش از علت و سبب حوادث و اتفاقات و کارها به کار می رود.

لِمَاذَا سافرت ← چرا مسافرت کردی؟ **لِلْاِسْتِرَاحَةِ**.

۴- **كَمْ**: برای پرسش از عدد و نرخ استفاده می شود و در جواب آن از عددها استفاده می کنیم.

كَمْ كِتَابًا قَرَأْتَ؟ ← چند کتاب خواندی؟ **ثَلَاثَةٌ**

۵- **مَتَى**: برای پرسش از «زمان» به کار می رود و در جواب «متى» از قیدهای زمان مثل: «بَعْدَ، قَبْلَ، صَبَاحَ،

مَسَاءً و...» استفاده می کنیم. **مَتَى تَسَافِرُ؟** چه وقت مسافرت می کنی؟ **السَّبْتِ / مَسَاءً / بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ**

أَيْنَ: ظرف است که به وسیله آن از مکانی که چیزی در آن قرار گرفته است سؤال می شود و در جواب «أَيْنَ»

کلمات مانند: «عِنْدَ، جُنُبَ، أَمَامَ، مَعْرُوقَ، تَحْتَ، فِي، هُنَا، عَلَيَّ، وَرَاءَ، هُنَا، هُنَاكَ...» به کار می رود و

اگر حرف «مِنْ» بر سر آن بیاید یعنی «مِنْ أَيْنَ» از مکانی سؤال می کند که آن شیء در آن مکان ظاهر شده است.

أَيْنَ يَسْكُنُ وَالِدُكَ؟ ← پدرت کجا ساکن است؟

مِنْ أَيْنَ أَأْتَيْتَ؟ ← انا من مسأله (أنا مسأله)

۷- **لِمَنْ** برای پرسش از صاحب یا مالک اشیا، به کار می رود و در جواب «لِمَنْ» از «لِ» برای «کلمه می گیریم

لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟ لِلْأَخِي

۸- **كَيْفَ** برای پرسش از «کیفیت» و «حالت» به کار می رود.

كَيْفَ مَالُكَ؟ انا بخیر

۹- «هَلْ، أ»: هَلْ برای پرسش جمله مثبت فقط بکار می رود و «أ» برای پرسش مثبت و منفی بکار می رود و

این دو حرف استفهام هستند نه اسم استفهام و در پاسخ آن ها «نَعَمْ، لا» استفاده می کنیم.

۱۰- **أَيُّ**: برای جمله مثبت و منفی بکار می رود **أَيُّ طَالِبٍ حَاضِرٌ؟** کدام دانش آموز حاضر است.

فعل ها :

در زبان عربی «فعل» کلمه ایست که انجام کاری یا روی دادن حالتی را در زمان مشخص به ما نشان می دهد.
فعل ها از نظر زمان بر سه شکل دیده می شوند : ۱- فعل ماضی (گذشته) ۲- فعل مضارع (حال) ۳- فعل امر (دستور)
فعل ماضی :

فعلی است که در زمان گذشته انجام شده است یعنی بر زمان گذشته دلالت دارد و دارای ۱۴ صیغه است که ساختن و بیان کردن این چهارده صیغه را صرف فعل می گوئیم .

اول شخص مفرد (من)	للمتكلم وحده	أَنَا كَتَبْتُ ← من نوشتم
دوم شخص مفرد (تو)	للمخاطب للمخاطبة	أَنْتَ كَتَبْتَ ← تو نوشتی أَنْتِ كَتَبْتِ ← تو نوشتی
سوم شخص مفرد (او)	للغائب للغائبة	هُوَ كَتَبَ ← او نوشت هِيَ كَتَبَتْ ← او نوشت
اول شخص جمع (ما)	للمتكلم مع الغير	نَحْنُ كَتَبْنَا ← ما نوشتیم
دوم شخص جمع (شما)	للمخاطبين للمخاطبات للمخاطبين للمخاطبات	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ ← شما نوشتید أَنْتِ كَتَبْتِ ← شما نوشتید أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ ← شما نوشتید أَنْتِ كَتَبْتِ ← شما نوشتید
سوم شخص جمع (آنها)	للغائبين للغائبات للغائبين للغائبات	هُمْ كَتَبُوا ← آنها نوشتند هُنَّ كَتَبْنَ ← آنها نوشتند هُمْ كَتَبُوا ← آنها نوشتند هُنَّ كَتَبْنَ ← آنها نوشتند

طرز منفی کردن فعل ماضی : فعل ماضی یا (ماضی) منفی می شود و آن را با «ما» می پرسش و موصول استباه نگیرید.
دانلود از اپلیکیشن پارس درسی

فعل مضارع:

فعل مضارع، فعلی است که بر زمان حال و آینده دلالت دارد و دارای ۱۴ صیغه است و بیانگر انجام کاری در زمان حال است و بیان کردن این چهارده صیغه را صرف فعل می‌گوییم.

اول شخص مفرد (من)	للمتكلم وحده	أَنَا أَذْهَبُ ← من می‌روم
دوم شخص مفرد (تو)	للمخاطب للمخاطبة	أَنْتَ تَذْهَبُ ← تو می‌روی أَنْتِ تَذْهَبِينَ ← تو می‌روی
سوم شخص مفرد (او)	للمغائب للمغائبة	هُوَ يَذْهَبُ ← او می‌رود هِيَ تَذْهَبُ ← او می‌رود
اول شخص جمع (ما)	للمتكلم مع الغير	نَحْنُ نَذْهَبُ ← ما می‌رویم
دوم شخص جمع (شما)	للمخاطبين للمخاطبات للمخاطبين للمخاطبات	أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ ← شما می‌روید أَنْتِ تَذْهَبِينَ ← شما می‌روید أَنْتُمْ تَذْهَبُونَ ← شما می‌روید أَنْتِ تَذْهَبِينَ ← شما می‌روید
سوم شخص جمع (آن‌ها)	للمغائبين للمغائبات للمغائبين للمغائبات	هُمَا يَذْهَبَانِ ← آن‌ها می‌روند هُمَا تَذْهَبَانِ ← آن‌ها می‌روند هُمْ يَذْهَبُونَ ← آن‌ها می‌روند هُنَّ يَذْهَبْنَ ← آن‌ها می‌روند

• فعل مضارع با حروف (**ما ، لا**) منفرد می‌شود: يَكْتُبُ ← می‌نویسد (**ما يَكْتُبُ ، لا يَكْتُبُ** ← نمی‌نویسد)

• در زبان عربی برای ساخت فعل مضارع از ساختار زیر استفاده می‌شود:

(**حروف مضارع + حروف اعلی فعل + ضمیر منفصل + رفع یا ن + عوض رفع**)

فعل مستقبل (آینده) :

الکون بدانید که در زبان عربی برای ساخت فعل مستقبل از افزودن حروف «سَدَ ، سَوَفَ» + فعل مضارع استفاده می کنیم و در ترجمه آن از «خواه...» استفاده می شود.

أَكْتُبُ (من نویسم) ← سَأَكْتُبُ ، سَوْفَ أَكْتُبُ (خواهم نوشت)

• حرف «لَنْ» از حروف ناصبه است که بر سر فعل مضارع می آید و معنای آن را با «آینده منفی» تبدیل می کند.

لَنْ أَكْتُبُ ← نخواهم نوشت

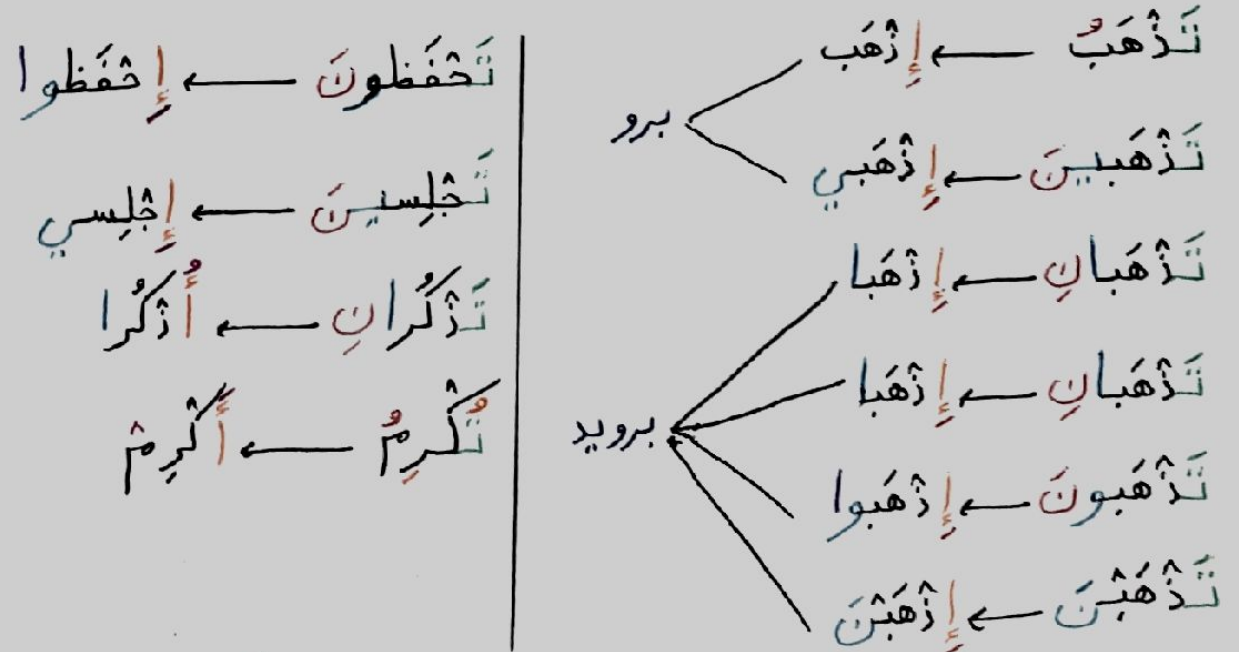
فعل امر مخاطب (فعل دستوری مثبت) :

فعل امر در عربی از روی مضارع ساخته می شود و فعلی است که حالت دستوری دارد و فقط از شش صیغه مخاطب ساخته می شود و فرمول ساخت آن به شکل زیر است.

۱- حرف اول (حرف مضارع) را حذف می کنیم

۲- آخر فعل را اگر «ت» بود تبدیل به «ا» و اگر «ن» اعراب بود حذف می شود به جز صیغه نون که نوشتن ضمیر است و حذف نمی شود.

۳- به ابتدای فعل، همزه اضافه می کنیم و اگر عین الفعل ضمه (ة) داشت، همزه با ضمه می آید و اگر عین الفعل فتحه یا کسره (ا یا اِ) داشت، همزه با کسره می آید.



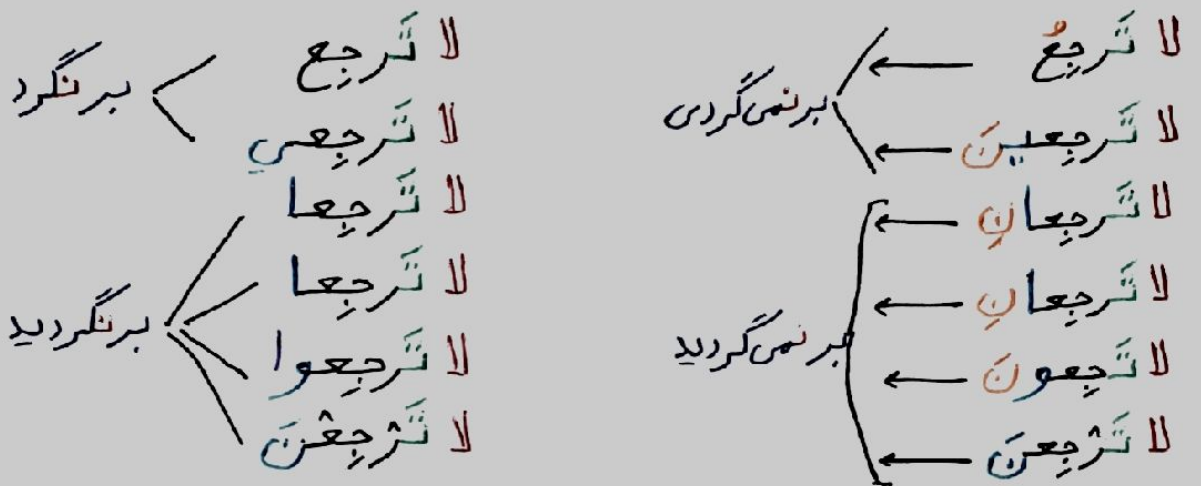
• همزه می امر فقط در باب افعال فتحه (اِ) می گیرد: تَنْزِلُ ← اَنْزِلْ تَرْسِلُونَ ← اَرْسِلُوا
بنابر این فعلی امری که با همزه می فتحه در شروع شده باشد حتماً از باب افعال است.

فعل منفی (فعل دستوری منفی)

فعل منفی، دستوری است که برای جلوگیری از انجام یک کار، صادر می‌شود و برای ساختن فعل منفی به ابتدای فعل مضارع «لا» اضافه می‌کنیم و انتهای آن را **مجزوا** می‌نماییم و دقیقاً مانند فعل امر، آخر فعل را تغییر می‌دهیم.

تَخْرُجُونَ (خارج می‌شوید) ← لَا تَخْرُجُوا (خارج نشوید)

مقایسه فعل مضارع منفی با فعل منفی



• از مقایسه فعل مضارع منفی با فعل منفی در نمونه‌های بالا متوجه می‌شویم که هم در ابتدای فعل مضارع منفی و هم در ابتدای فعل منفی «لا» وجود دارد ولی در فعل مضارع منفی برخلاف فعل منفی حرکت ضمه (و) و (ن) عوض رفع از آخر فعل حذف نمی‌شود.

• فعل مضارع منفی با فعل منفی در صیغه دوم شخص جمع مؤنث (للمخاطبات) یک شکل می‌شود بنابراین معنای آن را باید با توجه به مفهوم جمله تشخیص داد.

در صیغه جمع مؤنث مخاطب (للمخاطبات؛ دوم شخص جمع مؤنث) که فعل منفی مضارع و نفس مضارع یکسان است و آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند؛ در نفس مضارع فقط معنی آن منفی می‌شود ولی در نفس مضارع به صورت امر منفی ترجمه می‌شود؛ مثلاً اگر فعل «لا تَكْذِبِينَ» به معنای «دروغ نمی‌گویید» باشد منفی است و اگر به معنای «دروغ نگوئید» باشد منفی است.

ترکیب اضافی - وصفی :

ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیہ : اسم + اسم)

ترکیب وصفی (موصوف و صفت : اسم + صفت)

بہ مثال ہاں زیر توجہ کنید :

ترکیب اضافی : دوستِ من ، ماشینِ بابا ، لباسِ مدرسہ ، دیوارِ اتاق

ترکیب وصفی : دوستِ خوب ، ماشینِ باکلاس ، لباسِ جدید ، دیوارِ بلند

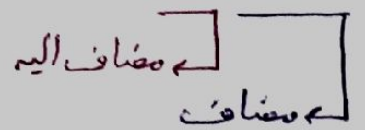
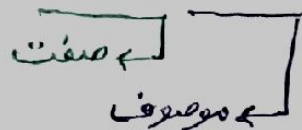
ترکیب اضافی : در این ترکیب ہا جزء روم بہ تنہا میں وجود خارجی و ظاہری دارد و وجودش وابستہ بہ چیز دیگر نیست و این روجزء ترکیبی است کہ با یکدیگر پیوند قوی ندارند و مضاف و مضاف الیہ انفکاک پذیر ہستند و مضاف بہ مضاف الیہ نسبت دارد من شود و کفار ہم قرار میں گیرند و بہ ہم وابستہ میں باشند، ولی یکدیگر را توصیف نمی کنند؛ بنابراین بہ اسم اول «مضاف» و بہ اسم دوم «مضاف الیہ» گفته میں شود .

• موارد میں کہ ما را در تشخیص ترکیب اضافی و وصفی بعد از ترجمہ آن ہا بہ فارسی کمک میں کند :

۱- افزودن فعل ربطی « است » بہ آخر ترکیب بعد از حذف نمودن کسرہ از پایان کلمہ ی اول :

ماشینِ بابا است

ماشینِ بابا است

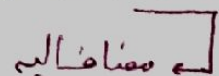
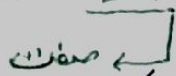


۲- افزودن « بسیار » بین دو کلمہ یا افزودن « تر » بہ آخر ترکیب :

دوستِ بسیار من ، دوستِ من تر ، / دوستِ بسیار باکلاس ، دوستِ باکلاس تر

۳- اگر کلمہ روم وجود خارجی داشت معمولاً «مضاف الیہ» است و اگر اسم روم وجود خارجی نہ داشت معمولاً « صفت »

لباسِ مدرسہ (مدرسہ وجود خارجی دارد) ، لباسِ جدید (جدید وجود خارجی ندارد)



۴- اگر دو کلمہ انفکاک پذیر باشد غالباً مضاف و مضاف الیہ و اگر دو کلمہ انفکاک ناپذیر باشد مضاف و مضاف الیہ

گلِ سرخ

گلِ گلستان

۵- اگر دو اسم را بخواهیم از نظر ترکیب اعضاء و ترکیب وصفی تشخیص دهیم از روش زیر استفاده می‌کنیم.
 اسم دوم + اسم اول + دارد — ترکیب اعضاء (دیوار اتاق : اتاق دیوار دارد)
 اسم دوم + اسم اول + دارد — ترکیب وصفی (دیوار بلند : بلند دیوار دارد)
 ترکیب وصفی: در این ترکیب اسم دوم به تنهایی وجود خارجی و ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیز دیگر است
 و در ترکیب وصفی رابطه بین موصوف و صفت بیرونی قوی وجود دارد و انفکاک ناپذیر هستند و اسم دوم توصیف کننده اسم اول باشد، اول موصوف و دوم صفت است.

کتاب جمیل — کتاب زیبا

* لازم است بدانیم که موصوف و صفت در چهار مورد از یکدیگر تبعیت می‌کنند:

۱- جنس (مذکر و مؤنث) ۲- عدد (مفرد، مثنی، جمع) ۳- دانش یا دانش «ال، تنوین» ۴- حرکات (محرک)

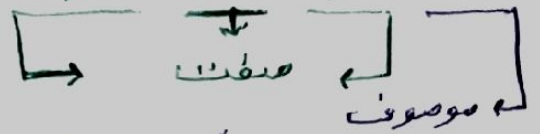
۱- عدد }
 مفرد: التلمیذُ المجتهدُ
 مثنی: التلمیذانِ المجتهدانِ
 جمع: التلامیذ المجتهدون

۲- جنس }
 مذکر: تلمیذٌ مجتهدٌ
 مؤنث: تلمیذةٌ مجتهدةٌ

۳- معرفه }
 معرفه: التلمیذةُ المجتهدةُ
 نكرة: تلمیذةٌ مجتهدةٌ

۴- اعراب }
 مرفوع: تلمیذٌ مجتهدٌ
 منصوب: تلمیذاً مجتهداً
 مجرور: تلمیذٍ مجتهدٍ

• یک موصوف میں تو لاند بیشتر از یک صفت ہم داشته باشد.
جاء التلمیذُ الكاتبُ الشاعرُ المحسنُ ← دانش آموزِ نویسنده شاعرِ نیکوکار آمد.

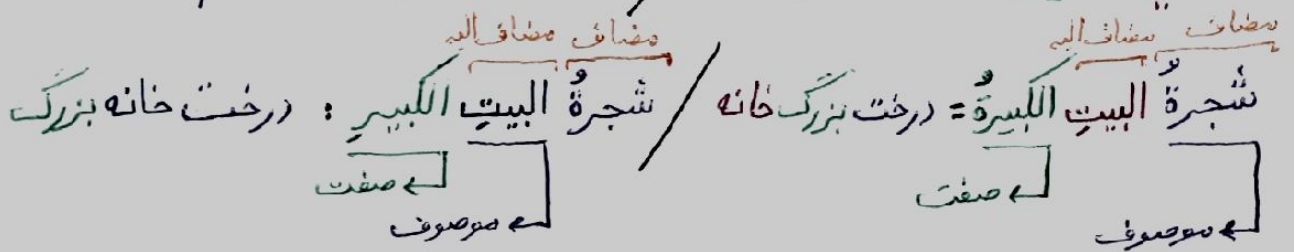


• برای جمع غیر انسان (جمع مکرکسر، جمع کمن مؤنث عالم) بهتر است صفت را به صورت «مفرد مؤنث»

بیآوریم. الأسجار الباسقة ، اللبب العلیمة ، المناطق الجميلة ، الحيوانات النادرة

• گاهی ترکیب این دو نیز با هم می آیند که به آن ترکیب وصف اضافی می گویند؛ به این صورت که یک اسم ممکن است هم صفت داشته باشد و هم مضاف الیه که در این حالت، اول مضاف الیه می آید و بعد صفت ولی در ترجمه، ابتدا صفت ترجمه می شود سپس مضاف الیه:

قطبی الصغیر ← گریه بیچاره من / قریفنا الفائز ← تیم برنده ما



غابات ماژندران الخضراء ← جنگل های سرسبز ماژندران

غابات ماژندران الخضراء ← جنگل های ماژندران سرسبز

لیالی الشتاء الباردة ← شب های سرد زمستان

لیالی الشتاء البارد ← شب های زمستان سرد

باب المدرسة الکبيرة ← در مدرسه بزرگ

باب المدرسة الکبیر ← در بزرگ مدرسه

أسماك النهر الکبيرة ← ماهی های بزرگ رودخانه

أسماك النهر الکبیر ← ماهی های رودخانه بزرگ

- اگر به انتهای اسم ضمیر متصل شده باشد، اسم و ضمیر مضاف و مضاف الیه هستند. و در اینجا
- اگر اسم موصوف باشد یعنی تواند صفت باشد ولی می تواند مضاف الیه باشد.

- اگر اسم اول «ال» یا «کنون» **ک** داشت، **ا** بر ترکیب وصف است چون مضاف «ال» و «کنون» نمی آید.
- اگر اسم مثنی و جمع مذكر سالم باشد در حالت اضافی، آن حرف می تواند **ال** باشد. **معلم المومنین**
- صفت برای اسم علم (خاص) با «ال» می آید. مثال: **یوسف الجمیل** — **یوسف** لها

- مضاف الیه، خود می تواند مضاف برای کلمه ای دیگر باشد. به عبارت دیگر چندین اسم می تواند به یکدیگر اضافه شود.
- باب شجره قره القلین** — در مسجد روسای کشاورزان

- می دانیم که منظور از مطابقت موصوف و صفت از نظر معنی و نکره این نیست که هنگام معرفه بودن هر دو «ال» داشته باشند بلکه ممکن است موصوف، اسم علم (خاص) باشد که در این صورت «ال» نمی آید ولی صفتشان باید «ال» بگیرد. **قم الممتدة / ایران البیلة / ملة المکرمة / مدينة المنقرة**

- مضاف بودن مانند موصوف نقش به حساب نمی آید بلکه با توجه به موقعیت خودش در جمله نقش می پذیرد و اعراب آن متناسب با جمله می تواند مرفوع، منصوب یا مجرور باشد ولی مضاف الیه مانند صفت خود نقش است و لزجت اعراب مضاف الیه همیشه مجرور است.

التواضع یرفع قيمة الإنسان — قيمة: نقش آن مفعول است و منصوب

الدنيا منزرعة الأخریة — منزرعة: نقش آن خبر است و مرفوع

أسافر لصید حیوانات — صید: نقش آن مجرور به حرف جر

- بعضی از اسم ها دائم الاضافه اند و عموماً بعدشان مضاف الیه می آید؛ مشهورترین آنها عبارتند از:

کل، بعض، جمیع، غیر، عند، ذو (ذاهن)، فوق، تحت، امام، وراء، قبل، بعد، مع، بین، ...

اللهم اشف کل مریض / فوق کل ذي قدرة أقوس منه

برای اینکه ماضی معادل ماضی استمراری باشد باید قبل از آن «**کان**» وجود داشته باشد. «**کان**» یک فعل است و می تواند صرف شود و به شکل یکی دیگر از صیغه هایش بیاید. بنابراین هرگاه بعد از یکی از صیغه های فعل «**کان**»، «**کانا**»، «**کانوا**» و ... با فاصله یا بی فاصله یک «فعل مضارع» بیاید ما آن (و فعل را با هم بصورت «ماضی استمراری» ترجمه می کنیم.

• فعل ماضی استمراری نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده و وقوع آن ادامه داشته است.
کان یَجْلِسُ : می نشست / **کانا** یُعَلِّمُ : انجام می دادند / **کنتُم** تُعْرِضُونَ : می شناختید.

کان مُلَاتِ الْجَامِعَةِ یَدْرُسُونَ فی المكتبة : دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می خواندند.
کان النَّاسُ یَبْحَثُونَ عَنِ طیب : مردم به دنبال یک پزشک می گشتند.
کنتُ أَعْرَفُ کاتباً : نویسنده ای را می شناختم.

• وقتی دو یا چند فعل ماضی استمراری به یکدیگر عطف شده باشند، «**کان**» فقط یک بار تکرار می شود.

کان صدیقی یَذْهَبُ إِلَى المكتبة و یطالع ثلاث ساعاتٍ ثم یرجع :
 دوستم به کتابخانه می رفت و سه ساعت مطالعه می کرد سپس بر می گشت.

• برای منفی کردن ماضی استمراری می توان جزوه اول (کان) یا جزوه دوم (فعل مضارع) را منفی کرد؛ مثال:

ما **کان** یَضْرِبُ
کان لا یَضْرِبُ
 لَمْ یَكُنْ یَضْرِبُ

ریان می رساند □ زیان نمی رساند □ زیان نمی رساند □

یَلْتَفِتُ ← روی بر می گرداند □ روی بر می گرداند □
کان یَلْتَفِتُ ← روی بر می گرداند □ روی بر می گرداند □

داشت روی بر می گرداند

اعداد اصلی و ترتیبی :

۱- اعداد اصلی :

مذکر	واحد	اثنان	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبع	ثمانی	تسع	عشر	أحد عشر	اثنا عشر
مؤنث	واحدة	اثنان	ثلاثة	أربعة	خمس	ستة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحد عشر	اثنا عشر
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

۲- اعداد ترتیبی :

مذکر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشر	الحادي عشر	الثانية عشر
ترجمه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

روزهای هفته :

السَّبْتُ ، الأحد ، الإثنين ، الثلاثاء ، الأربعاء ، الخميس ، الجمعة

فصل های سال :

الربيع : بهار الصيف : تابستان الخريف : پاییز الشتاء : زمستان

رنگ های اصلی :

أبيض : سفید أسود : سیاه أخضر : سبز أصفر : زرد أزرق : آبی

ساعت : در زبان عربی برای پرسیدن ساعت از سؤال « كم الساعة؟ » استفاده می کنیم و در پاسخ به آن اعداد ترتیبی را

به کار می بریم .

الواحدة ، الثانية ، الثالثة ، الرابعة ، الخامسة ، السادسة ،
السابعة ، الثامنة ، التاسعة ، العاشرة ، الحادية عشر ، الثانية عشر ،

كم الساعة؟ التاسعة والرُبْع ، العاشرة والنصف ، الخامسة والأربعاً

۴:۴۵

۱۰:۳۰

۹:۱۵